



درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نوره مفیدی

تاریخ: ۲ خرداد ۱۳۹۱

مصادف با: ۳۰ جمادی الثانی ۱۴۳۳

جلسه: ۳۶

موضوع کلی: مصادر رجالی

موضوع جزئی: رجال ابن غضائری

سال: دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

بحث در رجال ابن غضائری بود، عرض کردیم در مورد این کتاب یک بحث این است که آیا این کتاب تألیف خود غضائری است یا ابن غضائری آن را تألیف کرده است. ابتداءً قرار بر این شد که خود غضائری و ابن غضائری را معرفی کنیم و بعد به بررسی کتاب و اعتبار آن بپردازیم، در مورد غضائری مطالبی گفته شد.

ابن غضائری:

در مورد احمد بن حسین بن عبیدالله بن ابراهیم غضائری که معروف به ابن غضائری است قدر مسلم این است که مثل پدرش درباره او هم چیزی گفته نشده، هم شیخ و هم نجاشی درباره پدر ابن غضائری مطالبی را گفته‌اند و از مشایخ شیخ و نجاشی بوده لکن در مورد ابن غضائری فقط شیخ در مقدمه فهرست مطالبی به این مضمون دارد که تنها کسی که فهرست کتب اصحاب و تصانیف و اصول را بیان کرده ابوالحسین احمد بن حسین بن عبیدالله است که دو کتاب نوشته و در یکی از آنها مصنفات و در دیگری اصول را بیان کرده و تا آنجا که توانسته اسامی آنها را استیفاء کرده لکن از این دو کتاب کسی استنساخ نکرده و بعضی ورثه او این دو کتاب را از بین برده‌اند.^۱ نجاشی هم به مناسبت ترجمه دو نفر دیگر اشاره‌ای به ابن غضائری کرده و بیش از این چیزی درباره او گفته نشده است. به هر حال در مورد خود غضائری به عنوان اینکه از مشایخ شیخ و نجاشی بوده و آن دو بزرگوار تعبیراتی در مورد او دارند شاید بتوان وثاقت او را استفاده کرد ولی در مورد ابن غضائری نمی‌توان وثاقت او را ثابت کرد.

اهمیت بحث از رجال ابن غضائری:

علت اینکه ما در مورد این کتاب که به کتاب رجال غضائری یا رجال ابن غضائری معروف است یا بعضی از آن به کتاب الضعفاء تعبیر کرده‌اند بحث می‌کنیم این است که در بین متأخرین این مطلب شهرت پیدا کرده که تضعیفات ابن غضائری در این کتاب قابل اعتماد نیست؛ چون خیلی سریع و بدون تأمل افراد را مورد طعن و جرح قرار داده لذا در بررسی سند روایات در بین متأخرین دیده می‌شود که مثلاً گفته می‌شود فلان شخص را فقط ابن غضائری تضعیف کرده که به تضعیفات او نمی‌شود اعتماد کرد. این مطلب در بررسی سند روایات مخصوصاً در بین متأخرین شیوع پیدا کرده لذا مهم است که

۱. فهرست، مقدمه، ص ۲۳.

بینیم این کتاب مربوط به خود غضائری است یا آن را ابن غضائری تألیف کرده است و بر فرض که مؤلف کتاب هم معلوم شود باید بینیم این کتاب از چه منزلت و ارزشی برخوردار است و معتبر است یا خیر؟

مؤلف کتاب:

اما در مورد مؤلف کتاب، بعضی مثل شهید ثانی قائل به تألیف این کتاب توسط خود غضائری؛ یعنی حسین بن عبیدالله الغضائری هستند، شهید ثانی برای مدعای خود به مطلبی از خلاصه الاقوال استدلال می‌کند که در ترجمه سهل بن زیاد آدمی آورده شده، عبارت این است که می‌گوید: «قد کاتب ابا محمد العسكري (ع) علی يد محمد بن عبدالحمید العطار فی منتصف شهر ربیع الثانی من سنة خمس و خمسين و مأتین ذکر ذلک احمد بن علی بن نوح و احمد بن الحسین رحمهما الله و قال ابن الغضائری انه كان ضعيفاً»^۱ شهید ثانی بعد از نقل این عبارت نتیجه می‌گیرد عطف ابن غضائری بر احمد بن حسین نشان می‌دهد که ابن غضائری غیر از احمد بن حسین است و به قرینه عطف بر احمد بن الحسین معلوم می‌شود که منظور از ابن غضائری خود غضائری است، درست است که گفته ابن غضائری ولی فی الواقع خود غضائری است چون بر احمد بن الحسین عطف شده و احمد بن الحسین پسر غضائری است پس مؤلف کتاب خود غضائری است.

مرحوم آیت الله خویی در اینکه این کتاب مربوط به خود غضائری باشد یا آن را ابن غضائری نوشته باشد تردید کرده است. بعضی هم قرائنی دال بر نسبت این کتاب به پسر غضائری اقامه کرده‌اند. بهرحال، عمده بحث در اعتبار خود این کتاب است که آیا این کتاب معتبر است و می‌شود به آن اعتماد کرد یا خیر؟

اقوال در اعتبار رجال ابن غضائری:

مجموعاً در مورد اعتبار این کتاب شش قول وجود دارد:

قول اول: این قول را مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی اختیار کرده و آن این است که این کتاب اساساً توسط غضائری و پسرش نوشته نشده بلکه تألیف برخی از معاندین شیعه است که خواسته‌اند با لطایف الحیل، اکابر شیعه را تخریب کنند لذا کتابی را تألیف کرده و برای موجه جلوه داده این کتاب بعضی از سخنان ابن غضائری را در این کتاب آورده‌اند.^۲

قول دوم: قول علامه حلی که ایشان می‌گویند این کتاب مربوط به ابن غضائری است لذا به تضعیفات آن ترتیب اثر داده است، البته در مورد بسیاری از روایات هم توقف کرده و فقط در مواردی که نجاشی و شیخ کسی را توثیق کرده‌اند توثیق نجاشی و شیخ را بر جرح ابن غضائری مقدم کرده و الا اگر در موردی نجاشی و شیخ توثیقی نداشته باشند و ابن غضائری تضعیف کرده باشد به تضعیف او ترتیب اثر داده است.

قول سوم: قولی است که صاحب قاموس الرجال به آن ملتزم شده و آن این است که این کتاب کاملاً مورد اعتماد است و تا قبل از زمان مجلسی این کتاب مورد قبول بود و از زمان مجلسی شهرت پیدا کرد که این کتاب اعتبار ندارد و بهترین شاهد و دلیل بر اعتبار این کتاب اعتماد نجاشی به این کتاب است که خودش اُضبط اهل رجال بوده است. این قول اساساً

۱. قاموس الرجال، ج ۱، ص ۲۲.
۲. الذریعه، ج ۴، ص ۲۸۸.

معتقد است ابن غضائری در مسئله تضعیف با دقت و وسواس عمل کرده و این گونه نبوده که بدون دلیل کسی را جرح کند.

قول چهارم: قوی است که از کلمات وحید بهبهانی استفاده می‌شود و آن این است که بسیاری از قدماء مخصوصاً قمیین و غضائری برای ائمه(ع) مرتبه خاصی از رفعت و عصمت قائل بوده‌اند؛ یعنی تا حدی مقامات ائمه(ع) را قبول داشتند لذا اگر کسی از آن حد می‌گذشت او را متهم به ارتفاع و غلو می‌کردند؛ مثلاً نفی سهو از ائمه(ع) را غلو می‌دانستند و می‌گفتند اگر کسی سهو را از ائمه(ع) نفی کند غالی است یا مبالغه در معجزات ائمه(ع) و نقل عجایب از خوارق عادت را در مورد ائمه(ع) قبول نداشتند و می‌گفتند کسانی که در شأن ائمه(ع) اغراق می‌کنند و آنها را از کثیری از نقایص تنزیه می‌کنند غالی و یا اهل ارتفاع هستند، مثل اینکه در مورد ائمه(ع) قدرت زیاد برای آنها فرض شود و یا گفته شود آنها علم به مکنونات آسمان و زمین دارند غلو است، این عقیده‌ای بوده که قمیین و غضائری داشته‌اند.^۱ بر این اساس ابن غضائری عمدتاً برای تضعیف اشخاص به اجتهاد و حدس خودش عمل کرده؛ یعنی اخبار او درباره اشخاص مبتنی بر حدس نبوده بلکه مبتنی بر حدس بوده؛ یعنی روایات منقول از افراد را دیده، اگر مضمون آن روایات مشتمل بر غلو و ارتفاع بوده یا به نظر او ناقل این روایات انحراف عقیده داشته او را تضعیف کرده ولی اگر مضمون روایات این مشکلات را نداشته او را تضعیف نکرده است. بر اساس این قول تضعیفات ابن غضائری اعتبار ندارد از آن جهت که این تضعیف مبتنی بر اجتهاد او از روایات روات است.

قول پنجم: این است که تضعیفات ابن غضائری مورد قبول نیست اما تعدیل او مقبول است؛ چون در تصنیف افراد از حد متعارف خارج شده است.

قول ششم: به طور کلی توثیقات و تضعیفات ابن غضائری معتبر نیست؛ چون هر دو مستند به حدس و اجتهاد است یعنی اگر بر اساس حدس و اجتهاد کسی را تضعیف کرده باشد بدیهی است که در توثیقات هم به همین ملاک عمل کرده است ولی نکته‌ای که وجود دارد این است که ولو بر اساس حدس و اجتهاد خود، افراد را توثیق کرده باشد اما بالاخره این توثیق چون مبتنی بر عقاید حداقلی راوی است ممکن است قدر متقین باشد ولی مشکل این است که نمی‌شود از نقل روایتی ولو مضامین صحیح هم داشته باشد وثاقت راوی را استنباط و اجتهاد کرد لذا نه تضعیفات ابن غضائری معتبر است و نه توثیقات او.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. فوائد الرجالیه، ص ۳۸ و ۳۹.